

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه جن

استاد ضرابی

۱۴۰۲/۱/۱۱

جلسه هشتم

آیات شریفه: «قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا\* (۲۲) إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا (۲۳) - بگو هرگز کسی مرا در برابر خدا پناه نمی دهد و هرگز پناهگاهی غیر از او نمی یابم (۲۲) [وظیفه من] تنها ابلاغی از خدا و [رساندن] پیام های اوست و هر کس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند قطعا آتش دوزخ برای اوست و جاودانه در آن خواهند ماند(۲۳)»

### جز آستان توام در جهان نیست پناهی!

« قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا\* إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ ... » پیامبر رحمت(صلی الله علیه وآله) بعد از آنکه از جانب خداوند اعلام فرمود من برای نجات و سعادت شما مالک هیچ نفع و ضرری نیستم، و هر کس با مرکب ایمان و عمل صالح خود باید بسوی خدا برود، در مرتبه‌ای بالاتر، خود را شاهد سخن خویش قرار داد و با قطعیت فرمود: من هم که رسول خدا به سوی شما هستم، نجاتی از عذاب الهی نخواهم داشت مگر با انجام وظایف بندگی و رسالتی که بر دوش دارم؛ به این ترتیب هیچ راهی جز بندگی خدا به سعادت نمی‌رسد؛ از این رو در قرآن می‌خوانیم: « فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ - پس به سوی خدا بگریزید، که من از سوی او برای شما بیم دهنده‌ای آشکارم. » (ذاریات/۵۰) باید با تمام قوا و با بهره گیری از تمام توانایی‌ها و ظرفیت‌ها، از خشم و غضب خدا به سوی رحمت او فرار کرد. امام علی(ع) فرمود: «فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ مِنْ اللَّهِ- پس ای بندگان خدا! از خدا بترسید و از خدا، به سوی خدا فرار کنید.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۴) فرار به سوی خدا همان تسلیم بودن در برابر اوست کما اینکه فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ- ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا آن گونه که حق پروا کردن از اوست پروا کنید و زینهار جز مسلمان نمیرید» (آل عمران/۱۰۲)

وارستگان، به دوست پناهنده گشته‌اند  
خودخواهی است و خودسری و خودپسندی است  
وابسته‌ای چو من به جهان، بی پناه شد  
حاصل ز عمر آنکه خودش، قبله‌گاه شد  
در اساسی‌ترین موضوعاتی که در زندگی دنیا و پس از مرگ محتاج به پناهگاهی امن هستیم، جز خداوند مهربان کسی را نخواهیم یافت؛ امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «در شگفتم از کسی که از چهار چیز بیم دارد، چگونه به چهار چیز پناه نمی‌برد؟ در شگفتم از کسی که ترس بر او غلبه کرده، چگونه به ذکر «حسبنا الله و نعم الوکیل» پناه نمی‌برد. زیرا به تحقیق شنیدم که خداوند عزوجل به دنبال ذکر یادشده فرمود: پس (آن‌کسانی‌که به عزم جهاد خارج گشتند و تخویف شیاطین در آن‌ها اثر نکرد و به ذکر فوق تمسک جستند) همراه با نعمتی از جانب خداوند (عافیت) و چیزی زائد بر آن (سود در تجارت) بازگشتند و هیچ‌گونه بدی به آنان نرسید. و در شگفتم از کسی‌که اندوهگین است، چگونه به ذکر «لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین» پناه نمی‌برد. زیرا به تحقیق شنیدم که خداوند عزوجل به دنبال ذکر فوق فرمود: پس ما (یونس را در اثر تمسک به ذکر یاد شده) از اندوه نجات دادیم و همین‌گونه مؤمنین را نجات می‌بخشیم. و در شگفتم از کسی‌که مورد مکر و حيله واقع شده، چگونه به ذکر «أفوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد» پناه نمی‌برد. زیرا به تحقیق شنیدم که

خداوند عزوجل به دنبال ذکر فوق فرمود: پس خداوند (موسی را در اثر ذکر یادشده) از شرّ و مکر فرعونیان مصون داشت. و در شگفتم از کسی که طالب دنیا و زیبایی‌های دنیاست، چگونه به ذکر «ما شاء الله لا قوة الا بالله» پناه نمی‌برد. زیرا به تحقیق شنیدم که خداوند عزوجل بعد از ذکر یادشده (از زبان مردی که فاقد نعمت‌های دنیوی بود، خطاب به مردی که از آن نعمت‌ها بهره‌مند بود) فرمود: اگر تو مرا به مال و فرزندی، کمتر از خود می‌دانی، پس امید است خداوند مرا بهتر از (دارائی‌های) تو بدهد...». (من لا یحضره الفقیه/۴/۳۹۲)

گر بر سر کوی دوست، راهی دارم  
غم نیست که راه رفت و آمد باز است  
در سایه لطف او، پناهی دارم  
طاعت اگر نیست، گناهی دارم  
همانگونه که خداوند برای آنها که به وظایف بندگی خود عمل می‌کنند آغوش رحمت خود را گشوده است و می‌فرماید: «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ» و بشتابید به سوی مغفرت پروردگار خود و به سوی بهشتی که پهنای آن همه آسمانها و زمین را فرا گرفته و مهیا برای پرهیزکاران است. «(آل عمران/۱۳۳) برای عاصیان هم وعده داده است.

جز آستان توام در جهان پناهی نیست  
عدو چو تیغ کشد، من سپر بیندازم  
سر مرا به جز این در، حواله گاهی نیست  
که تیغ ما به جز از ناله‌ای و آهی نیست  
زمانه گر بزند آتشم به خرمن عمر  
بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست

### تو را تا دهن باشد از حرص باز !

«وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا» اگر پرسیده شود حقیقت عصیان چیست؟ می‌توان گفت به معنای گمراهی و از دست دادن هدایت است «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا» و هرکس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند یقیناً به صورتی آشکار گمراه شده است. «(احزاب/۳۶) ...وَأَتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» از او پیروی کنید تا هدایت یابید» (اعراف/۱۵۷) کسی که گمراه می‌شود یعنی نفع و ضرر، راه و چاه را اشتباه گرفته؛ می‌خواهد به منفعتی برسد ولی به خود ضرر می‌زند؛ مال حرام خوردن در همین دنیا هم (گذشته از تبعات و آثار دنیایی آن) آتش است لکن چشم باطن بین شخص حرام خوار، نابیناست و آن را نمی‌بیند. «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا» آنان که اموال یتیمان را به ستمگری می‌خورند، در حقیقت آنها در شکم خود آتش جهنم فرو می‌برند و به زودی در آتش فروزان خواهند افتاد. «(نساء/۱۰)

از مضمون این آیات می‌توان دریافت که آخرت هم اکنون برپاست؛ «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ» و إِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ- نیکوکاران در بهشت پر نعمتند و بدکاران در آتش دوزخ معذبند. «(انفطار/۱۳ و ۱۴) وقتی روح از بدن جدا شده، به عالم دیگر منتقل گردید، پرده‌ها کنار می‌رود (به وسیله مرگ طبیعی یا اختیاری)، آنوقت است که جن و انس با تمام وجود، آن را حس کرده، می‌چشند: «يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ- روز جزا وارد آن می‌شوند و می‌سوزند.» (انفطار/۱۵)

مکن بر نعمت حق ناسپاسی  
صفاتش را ببین امروز اینجا  
که تو حق را بنور حق شناسی  
که تا ذاتش توانی دید فردا  
که بشناسد بدان اسرار پنهان  
ورای عقل طوری دارد انسان  
نکته دیگر تعدد بهشت‌ها و جهنم‌ها است؛ جابر بن یزید می‌گوید: از امام باقر (ع) در باره آیه «آیا ما از آفرینش نخست ناتوان شدیم؟ بلکه آنان در آفرینش جدیدی هستند.» پرسیدم، «فَقَالَ يَا جَابِرُ تَأْوِيلُ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَفْنَىٰ هَذَا الْخَلْقَ وَ هَذَا الْعَالَمَ وَ أَسَكَنَ أَهْلَ الْجَنَّةِ الْجَنَّةَ وَ أَهْلَ النَّارِ النَّارَ جَدَّدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَالَمًا غَيْرَ هَذَا الْعَالَمِ ...» حضرت فرمود: ای جابر! تأویل آیه، این است که خداوند متعال آنگاه که این آفریدگان و این جهان را نابود ساخته و بهشتیان را در بهشت و دوزخیان را در دوزخ جای دهد، جهان دیگری غیر از این جهان را از نو پدید می‌آورد، بدون نر و ماده، تا او را

پرستیده و یگانه داند و برای آنان زمینی غیر از این زمین می آفریند که در آن استقرار یافته و آسمان دیگری که بر آنان سایه افکند. شاید تو بر این پنداری که خداوند تنها این جهان را آفریده و به جز شما بشری را نیافریده است؟ آری به خدا سوگند! به طور حتم خداوند متعال هزار هزار (کنایه از کثرت) جهان و هزار هزار آدم آفریده که تو در پایان این جهان ها و آن آدمیان هستی. «(الخصال؛ ج ۲ ص ۶۵۲)

اگر يك قطره را دل بر شكافى  
بهر جزوي ز خاك ار بنگری راست  
درون حبه ای صد خرمن آمد  
جهانی در دل يك ارزن آمد

نکته دیگر که باید به آن توجه داشت، تکوینی بودن همه مجازات ها و پاداش های اخروی است؛ یعنی مجازات اخروی گناهکاران چیزی جز تجسم و ظهور عمل خود آنها نیست. به طوری که گناه با همه حقیقت و باطنش، همان مجازات آنهاست. به بیان دیگر؛ از آنجا که عمل هر کسی معلول اوست و معلول همواره با علت خود است؛ لذا در آخرت هر کسی عمل خود را به دوش می کشد. گناهکار مثل کسی است که سوزنی را در چشم خود فرو می کند، نتیجه تکوینی و معلول طبیعی این کار، کور شدن است. «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ\* وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» پس هر کس هم وزن ذره ای کار خیر انجام دهد خود آن عمل خیر را می بیند. و هر کس هم وزن ذره ای کار بد کرده خود آن عمل بد را می بیند» (زلزله/ ۷ و ۸) بسیاری از گناهان حقیقتاً کور کننده چشم حقیقت بین انسان هستند؛ «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا» - و کسی که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بوده است، در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است. «(اسراء/ ۷۲) اگر بپرسیم چه کنیم تا دچار این نابینایی نشویم، پاسخ پیامبر اکرم (ص) این است که: «غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ تَرَوْنَ الْعَجَائِبَ» - چشمان خود را فرو بندید تا شگفتی ها را ببینید. «(بحار الأنوار: ۱۰۴ / ۴۱ / ۵۲) شاید معنای حدیث این باشد که هر چه از شهوات چشم بپوشید و بیشتر با نفس خود مبارزه کنید به مشاهده حقایق بیش تری نایل می شوید. «چرا که به قدر بستن چشم ظاهر از محرّمات، چشمه نور و معرفت در دل، و نور دیده و باطن زیاد می شود، و علوم حقّه و معارف یقینیّه در نفس، حاصل می شود» (عبد الرزاق گیلانی، ترجمه و شرح مصباح الشریعة، ص ۲۷۶) البته معنای حدیث محدود در این حدّ نمی شود و «غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ» ، تنها به معنای گناهان ویژه چشم مانند نگاه به نامحرم و ... نیست، بلکه شامل چشم پوشی از هر نوع گناه می باشد حتی اگر چشم مادی نیز در انجام آن گناه هیچ دخالتی نداشته باشد مثلاً اگر مربوط به دهان باشد خوردنی ها و گفتنی ها .

تو را تا دهن باشد از حرص باز  
این دهان بستی دهانی باز شد  
و نیز دیدن عجایب نیز تنها به معنای دیدن آنها با چشم نیست، بلکه درک واقعیات هستی از هر راه، می تواند مصداقی از مشاهده عجایب باشد. و این مژده ای برای افراد روشندل هم هست، آنها هم می توانند با چشم پوشی از گناهان به مقامات عالی معنوی دست یابند.

حقیقت در این است آراسته  
نبینی که جایی که برخاست گرد  
صلى الله على محمد وآله  
هوی و هوس گرد برخاسته  
نبیند نظر گر چه بیناست مرد